

جُستاری کوتاه در نبشتاری بزرگ " تولدی دیگر "

خشایار رخسانی

چیکده:

با آنکه دین اسلام میداود (ادعا میکند) که همه-ی دین های سامی (اسلام، ترسایی و یهودی) یکتاپرست هستند، و ریشه-ی همه-ی آنها را در هستی یک خدای یگانه میبندارد، ولی پژوهش های دانشیک و باستانشناسانه نشان میدهند، که پدیده-ی خداوند در این دین ها از ویژگی یکسانی برخوردار نیست؛ و به زبان دیگر هرکدام از این دین ها به خدایان جداگانه ای بارو دارند. در ناسازگاری به داوش های (ادعاهای) اسلام، نه ریشه-ی نسک های (کتاب های) این دین ها آسمانی است، و نه آنها در باور به جهان دیگر باهم همداستان هستند. زیرا سرچشمه نسک های هر سه دین دستورهای همبودگاهی (اجتمایی) در بابل کهن میباشد که به «فرمان های حمورابی» پُرآوازه هستند، و یهودیان نیز تا پیش از آشنایی با فرهنگ و آیین ایرانیان، هیچ نماری (اشاره ای) به پدیده-ی روز رستاخیز در تورات نکرده بودند. مهندتر (مهمتر) از همه این است که بسیاری از رویدادهایی را که این دین های سامی از آن نان میخورند و یا شایستگیشان را از آنها وام میگیرند، نمیتوان با دانش باستانشناسی و گذشتهنگاری دانشیک، اُستوانید (ثابت کرد).

ایرانیان میتوانند با آشنا شدن دوباره با پیام زرتشت، خوشبختی دوگیتی را برای خودشان پایندان کنند (تضمین کنند) که هزاران سال پیش از پیدایش دین های سامی، یکتاپرستی را برای همه-ی مردم جهان به ارمغان آورد و میخواهد که از راه پرورش خَرَد، دانش و آهنگ استوان (اراده-ی محکم) آنها، جهانی پُر از آزادی، داد، آشتی، و آسایش بسازد.

سراغاز:

در این نسک (کتاب) ارزنده و پژوهشی که آفریده-ی جناب دکتر شجاع الدین شفا میباشد، تلاش شده است که بگونه-ی فراگیر، دات ها (قوانین) و داستان های آمده در قرآن و نسک های دین های سامی (اسلام، ترسایی و یهودی) را با یافته های باستانشناسان، گذشتهنگاران و همچنین با دانش و دستاوردهای دانشیک روز، رو در روی کرده و سرانجام باورمداری و آشویی (تقدس) آنها را بازنگری و مورد پرسش قرار دهد.

با بررسی های باستان شناسی و پژوهشی در باره-ی گذشته-ی دین ها، که نزدیک به 300 سال است که به شیوه-ی دانشیک انجام میگیرند، میتوان بسیاری از پارادُخش گویی های (تناقض گویی های) قرآن را با رویکرد به داده های پژوهشی و دانشیک آشکار ساخت. نمونه ای از این پریشان گویی های قرآن، داوش هایی (ادعاهایی) هستند که برپایه-ی آنها، «همه-ی دین های سامی، دین های توحیدی و یکتا پرست میباشند.» و یا اینکه "هر سه نسکی (کتابی) که این دین ها را نمایندگی میکنند، از سوی یک خدای یگانه برای پیامبرانش فرستاده شده است." در آشکار کردن این پارادُخش (تناقض) در گفته های قرآن، نخست اینکه هر سه خدا در این سه نسک از یک ویژگی یگانه برخوردار نیستند و به واژگونه آنها دارای سه مَیش گوناگون هستند که سراسر (بطور کلی)، ناهمسان بایکدیگر میباشند. و دوم اینکه یهودیان کهن به جهان دیگر و یکتاپرستی باور نداشتند، در حالیکه باور به جهان دیگر و یکتاپرستی، بخش بُنیادین دین اسلام است. و سوم اینکه در همیستاری (مخالفت) با فرنامش (عقیده-ی دینی) بارومندان در دین اسلام، این سه نسک، آن گونه که مسلمانان گمان میبرند، در یک شب و در پیکر نسک های رسا (کامل) فراهم نیامده اند. نسک تورات، یک گنجینه از چند نسک میباشد که در دَرانای 1200 سال بوسیله کاهنان یهودی نوشته شده است. و یا اینکه نسک انجیل یک گنجینه از چهار نسک گوناگون است، که گاه در ناهمسانی و پادواژگی (تضاد) باهم میباشند که 300 سال پس از زندگی مسیح و از سوی چهار آدم گوناگون نوشته شده اند و منعکس کننده داستانها و دیدگاه هایی هستند که به مسیح بازبُرد داده میشوند (ارجاع داده میشوند). در جاییکه «الله» قرآن یک خدای جبار است که بر همه-ی ریزگان (اجزای) هستی فرمان فرمایی و دیدهبانی میکند، و هیچ برگی از درخت بدون پروانه-ی او نمی افتد، «روح القدس» مسیح، خدایی مهربان و با مَیش پدرانه است که گاه بگاه با مَیش مسیح یکی میشود. از همه

دلنشین تر «یهوه»، خدای دین یهود میباشد، که خدایی دیوانه است، با همه‌ی ویژگی‌های فرخویی (اخلاق) یک آدم پریشان و روانی. زیرا که او بر دشمنان تیره‌ی (قوم) بنی اسرائیل خشم میگیرد، آنها را فریب میدهد، از پیوند زناشویی یهودیان با تیره‌های دیگر انده‌گین میشود و سُهش (احساس) خشم او را فرامیگیرد ولی چونکه از بوی کباب بره‌خشنود میشود، از کیفر دادن به سرکشان و کینه‌جویی از آنها دست بر میدارد. پیمان خود را نگه نمیدارد، فراموشکار است، با مردی بنام یعقوب کشتی میگیرد. چونکه هم‌اورد (حریف) او نمیشود و شکست میخورد، او یعقوب را با فرنام (لقب) اسرائیل پیامبر خود میکند. یهوه به یکی از پیامبران خود دستور میدهد که به نشانِ ثُوختاری (وفا) و فرمانبرداری از او 330 روز نجاست خود را بر نان بمالد و بخورد. دستور گُشتارِ همگانی مردم بیگناه را بدست پیامبران یهود میدهد (که به زن، بچه، سگ و گربه و همه چهار پایان نیز گذشت نشود)؛ تنها از اینرو که او مُرده‌ی خواندی (مالکیت) زمین و جایگاه زندگی مردم دیگر (مردم کنعان، فلسطین کنونی) را به تیره‌ی (قوم) بنی اسرائیل داده است. ولی زمانی که پیامبر او از کشتن چهارپایان خودداری می‌ورزد، یهوه بر پیامبرش خشم میگیرد.

هدفِ نسکِ «تولدِ دیگر» بازگویی این فرهود (حقیقت) است که از روزن دانش باستانشناسی و گذشته‌نگاری، بیشینه‌ی (اکثر) 60000 پیامبر قوم یهود که در درازنای 1200 سال داوش (ادعای) پیامبری داشته‌اند، و مَهَندتر (مهمتر) از همه‌ی آنها موسی میباشد، آدم‌های افسانه‌ای بوده‌اند. و همچنین داستان‌هایی که نسکِ تورات به آنها نمار میکند (اشاره میکند)، نه استوانمند (قابل اثبات) هستند و نه داستان‌های تورات از روزن پارادُخشگویی‌های (تناقضگویی‌های) فراوان آن و افسانه‌های بدور از راستینگی (واقعیش)، میتوانند تراوشات دانستی‌های یک آدم خردمند باشند (اکنون اگر که نخواهیم از خداوند سُخنی به میان آوریم). پژوهش‌های دانشیک درباره زندگی موسی، که درخاستگاه یکی از برجسته‌ترین پیامبران و بازیگران کلیدی این دین از او یاد میشود، نشان میدهند که بآنکه رویدادهای روزمره در مصر باستان نوشته شده و دستک‌های (سند‌های) مَهِین (مهم) دیوان‌های دولتی بدستور فرعون‌ها بایگانی میشده‌اند (که هم‌کنون به بصورت سنگ‌نبشته بیادگار مانده‌اند)، نه نمارِی (اشاره‌ای) به هستی موسی در بارگاه فرعون میکنند و نه گزارشی از بلاهای آسمانی میدهند که تورات و یهودیان میداوند (ادعا میکنند) که خداوند در نشان دادن دشمنی اش با فرعون و آشکار کردن نشانه‌های خشمش از او، که میخواست از بُرونشدن قوم بنی اسرائیل از مصر، پیشگیری کند، فرعون و مردم مصر را گرفتار آنها کرد.

دات‌های (قانون‌های) دین یهود (10 فرمان) یک رونویسی ناشیانه از دات‌های حموراب بابلیان میباشدند که به خدایان گوناگونی باور داشتند، که خدای نهادین (اصلی) آنها مردوخ بود. این دات‌ها بگونه‌ی گنده‌کاری شده بر یک تابلوی سنگی در سال 1904 در شوش کشف شدند. باستانشناسان و پژوهشگران دانش گذشته‌نگاری بر این باورند که یهودیان پس از رونویسی از دات‌های حمورابی، خدای یهودیان، «یهوه» را بجای خدای بابلیان، «مردوخ»، نشانند.

دیگر اینکه یهوه، خدای یهودیان هیچگاه هستی خدایان دیگر را نمی‌هتیناید (تکذیب نمی‌کرد)، ونکه (بلکه) نگرانی او تنها از این بود که یهودیان هر از گاهی خدای مردمان دیگر را پرستش میکردند، چیزیکه ناسازگاری آشکار با بُنیادِ یکتاپرستی در دین اسلام دارد. ژرفای این پارادُخشی (تناقض) زمانی آشکار میشود که اسلام داوش دارد (ادعا میکند) که هر دو دین ریشه‌ی هَنباز (مشترک) دارند، به آرش (به معنی) اینکه از سوی خدای یگانه‌ای سرچشمه میگیرند و تورات نیز سُخن خداوند بوده و پیروان هر دو دین یکتاپرست میباشدند.

همانگونه که پیش از این نشان داده شد، تورات گنجینه‌ای از نسک‌های گوناگونی میباشد، ولی این گنجینه، رویهم رفته از دوبرخش مَهِین فراهمیده شده است (تشکیل شده است)، بخش گُهن و بخش نوی آن که در آرنای هزار و دویست سال از سوی کاهنان پُرشمار یهودی نوشته شده‌اند و نه اینکه از سوی پیامبران یهودی از آسمان آورده شده باشند. چیزی که دلچسب است، اینکه در بخش گُهن تورات هیچگاه به «جهان دیگر» نمارِی (اشاره‌ای) نمیشود، زیرا یهودیان تا سده‌ی هفتم پیش از میلاد به جهان دیگر باور نداشتند. آنها بر این باور بوده‌اند که پاداش و کیفر رفتار خود را در این جهان بدست خواهند آورد. نشانه‌های باورمندی به روز رستاخیز را میتوان، در زمان‌های تازه‌تر (650 پیش از میلاد)، در بخش‌نوی تورات، جُستجو کرد، آنهم به گونه‌ی شاخه‌ای و ناستوار؛ این نشانه‌ها دُرست از زمانی آشکار میشوند که یهودیان پس از آزادی از دست

امپراتوری بابل بوسیله کورش بزرگ، با آموزش های زرتشت و آیین یزدانی آریاییان آشنا شدند که در آنها یکتا پرستی و فرجام خواهی (باور به روز رستاخیز، بهشت و دوزخ) زیربنای این دین بوده است.

در مزامیر (سرودهای پرستش) داود [1] آمده است که یهوه تنها خدای راستین است ولی از سویی دیگر نمار میشود (اشاره میشود) که خدایان دیگر، کار های یهوه را میستایند و به او از بهر کارهای شگفت آورش آفرین میگویند، زیرا آنها نمی توانند با یهوه برابری کنند [2]. هم در کتاب ایوب و هم در کتاب ارمیا نبی به وجود خدایان اشاره میشود.

رینگ گرن در نسک «مذهب اسرائیل» میگوید: " اشتباه است اگر که آیین موسی را یک آیین یکتا پرستی برداشت کنیم، زیرا در هیچ کجای این آیین هستی خدایان دیگر رد نشده است. این خدایان هستند، ولی کرامندی (اهمیت) یهوه را ندارند، و یهوه به وجود آنها پیکارشی (اعتراضی) ندارد، تنها او در آمیختگی (دخال) آنها را در پهنه-ی ویژه-ی خودش برنمیتابد".

نویدهای بی پشتوانه-ی یهوه، خدای یهودیان به پیامبرانش از بهر دستیابی آنها بر سراسر خاورمیانه از نیل تا فرات و بیشماری فرزندان آنها به اندازه-ی دانه های شن و ریگهای کنار دریا، از نمونه های چرند و پرند گویی های تورات میباشند.

مُرآوده های همجنسگرایانه داود نبی با پسر یکی از نزدیکانش که در سرودهای خود در نسک مزامیر [1] به آن اشاره دارد، و زنا ی او با همسر یکی از سردارانش، انگیزه هایی میشوند تا یکی از نمایندگان زن پارلمان اسرائیل در مهستان (مجلس) در سال 1992 در یکی از نشست های آن، به ارتای (تقدس) و پارسا بودن این پیامبر آندید کند (شک کند) و رفتار او را زیر پرسش ببرد.

با رویکرد به اینکه نسک «عهد عتیق» انجیل یا (بایبل) بازگویی بَسامدی (تکراری) دستنهای تورات میباشد، و قرآن، بازده-ی یک رونویسی شتاب زده از این دو نسک است، میتوان به این دریافت (نتیجه) رسید که ریشه این سه نسک از دات های حمورابی، و بخشی از آموزش های زرتشتی و آیین یزدانی ایرانیان سرچشمه میگیرند.

آشنایی با پیام اشو زرتشت

راستی این است که اگر مردم ایران که همیشه بدنبال فرهود (حقیقت) میگشته اند، یافته های بالا را با فلسفه-ی پیدایش زرتشت و آیین او می سنجیدند و دگر بار با گوهر آموزش های آدم ساز و پیام اشو زرتشت آشنا میشدند که تنها خرد آدم را ابزاری شایسته برای سنجش و نیما (تشخیص) خوب را از بد میشناسد، و نه "وحی آسمانی"، پشت کردن به دین تازیان و روی آوردن به دین آدم ساز اشو زرتشت که مردم ایران آنرا فراموش کرده اند، کار دشواری نمیتوانست باشد، زیرا باور به خدای یکتا، خرد آدم و روز رستاخیز، سه گوهر بنیادین پیام اشو زرتشت میباشند؛ به دُرستی گفته از ارزشهایی هستند که دین های سامی ناشیانه و شتاب زده از دین زرتشت وام گرفته اند بدون اینکه به گوهر پیام آنها پی برده باشند. اشو زرتشت با زشت دانستن و نکوهش (تقبیح) از ژاژپنداری (خرافات)، جنگ و بیداد، همه-ی کوشش خود را بکار میگیرد تا به کمک اراده و خرد آدم های فرزانه و آزاده و با پشتگرمی بر ارزش های آدمیک، جهانی بدون جنگ بسازد؛ جهانی که در آن، ارزشهایی چون آزادی، پایداری آشتی جهانی، ارجمندی به هاگ های آدمیک (حق ها یا حقوق بشر)، یکسان بودن هاگ های زن مرد، پاس داری از هوده های (حقوق) جانوران و نگهداری از زیست بوم (محیط زیست)، پرویش پیدا میکند (تجلی مییابد). و این در حالی است که دین اسلام با بی بهره کردن پیروانش از خرد آدمیک، آهنگ و اراده-ی استوارشان را در نیما (تشخیص) خوب از بد از آنها میگیرد، تا از راه ترساندن آنها از «غضب الله»، آنها را همچون بندگان و مهره های بی اراده به زیر درآیش (نفوذ) خود بگیرد. اسلام پیروان بی اراده-ی خود را به سئووش (تسلیم) به سرنوشت از پیش نشاخت شده-ی (تعیین شده-ی) آسمانی وادار میکند تا به بهانه-ی اینکه این دین تنها نهادی است که میتواند کلید بهشت را برای کام گرفتن از «حوریان

بهشتی» به باورمندان سرسپرده اش به بخشد، از آنها همچون مهره هایی بی اراده، برای به آتش کشیدن جهان بهره بگیرد؛ ناآگاه از اینکه راه بهشت از میان دوزخ نمیگذرد.

همکنون مردم ایران با برداشت های گنگ و نادرستی که از پیام اشو زرتشت دارند، که تنها میتواند برآیند 1400 سال بیگانگی آنها با سرچشمه های بنیادین فرهنگ پُربار ایرانزمین باشد، گمان میکنند که با پشت کردن به اسلام، از خداوند رویگردان میشوند، و پایانند (نتیجه) اینکه، با اینکار خشم خداوند را بر میانگیزانند؛ ولی ناآگاه از اینکه، هزاران سال پیش از پیدایش اسلام، این اشو زرتشت و آیین ایزدی او بود که یکتا پرستی را به جهان مژده داد و خداوند را یار همیشگی ایرانیان کرد [3]. بیگمان پس از هزاران سال که از پیدایش و رستاخیز دین زرتشت میگذرد، فقه دین زرتشت نیز دست خوش گردوغبار روزگار گشته است و دوباره با باورهایی همچون زروانیسم [4] و میتراپرستی [5] و دیگر ژاژپنداری های بدور از خرد آمیخته گشت که از میان برداشتن آنها شَوَند (علت) پیدایش اندیشه های اشو زرتشت بود. با اینهمه گوهر پیام اشو زرتشت و آموزش های فرخویی (اخلاقی) او که در سرودهای دست نخورده-ی او گات ها، برای فرزندان ایرانزمین بجای مانده اند، پیام جاودانی میباشند که از ساختن جهانی بهتر بر پایه سه بُنیاد (اصل) پندارنیک، گفتار نیک و کردار نیک، سُخن به میان میآورند. آرایش آیین زرتشت به باورهای دین های کهن تر همچون زروانیسم [4] و میتراپیسم [5]، قرن ها پس از پیدایش این دین، بهانه های نیازین را به برخی اوستاشناسان داد تا به ناهگ (به ناحق) دین زرتشت را دین «ثنویت» (آیین دو خدائی) و دین آتش پرستان نام نهند. با این همه، بیشتر اوستاشناسان در برابر اندیشه های پیشتاز و آموزش های آدم ساز اشو زرتشت در شگفت هستند و او را از این روزن ارج مینهند که اشو زرتشت در دوران آغازین شهرآیینی (تمدن) آدمی با چنین توانائی های ویژه، اندیشه مندی (فکری)، روانی و مینویی (معنوی) که سده ها از زمان خود پیشتر بوده اند، بانی آیینی میشود که ریشه-ی گرفتاری های همبودگاهی را در رُست (رشد) مینویی (معنوی) آدم به زینه-ی (درجه) خدایی جستجو میکند. در سنجش با آموزش های دین های سامی که برای گشودن دروازه های شهرهای جهان، فرستادگان این دین ها، پیام کشتن و گشته شدن، گسترش ترس، چپاول ویرانی را بر سر شمشیرهای آخته شان می تَرابُردند، تا شاید بتوانند آدم ها را با غل و زنجیر روانه " بهشت" کنند، پیام زرتشت در سروده های او در گات ها، یک پیام گهر بار و جاودانی است که پرورش فرخویی (اخلاقی) آدم ها، گسترش آشتی، دوستی و دادگستری در جهان را هدف خود کرده است. او تلاش میکند تنها از راه گوالش (رشد) و بُرنایی مینویی (معنوی) آدم ها و آشنایی دادن آنها با ویژگیهای های اهورا مزدا، خداوند جان و خرد، دل آدم ها را بدست آورد و آنها را بگشاید. ویژگی هایی همچون: هومنه (روش نیک، نیک اندیشی یا نیت خیر)، آرته (دادگری)، خَستَر (پایداری و استواری در کارهای خوب)، آرمئیتی (سخاوت)، هائوروات (تندرستی و سلامتی روانی)، سراوشه (ندای وجدان) و امرتات (جاودانگی). در حقیقت ویژه گی های فرخویی (اخلاقی) ای که رسیدن به آنها آسایش دو گیتی را برای آدمی به ارمغان میآورند. پس ایرانیان، بیایید تا پاس داریم پیام گهر بار این نابغه و نیکخواه ایرانی را.

یادداشت:

[1] مزامیر یا زبور داوود (عبری: תהילים تهیلیم، در یونانی: Ψαλμοι) به معنی «دعاهای پرستش» یا سرودهای چنگ، یکی از بخش های تنخ یهودی و عهد عتیق در انجیل است. مزامیر در هیکل دوم زرو بابل و هرود و برای استفاده از کنیسه ها، به عنوان کتاب دعا و پرستش به کار می رفت. [۱] شکل گیری مزامیر به روزهای سلطنت داوود پسر یسی بازمی گردد. [۲] از ۱۵۰ مزمور فقط سی و چهارتای آن عنوان ندارند، که به آن ها مزامیر یتیم گفته می شود. مزامیر به صورت شعر بی وزن عبری نگاشته شده است

[2] کتاب مزامیر، مزمور هشتاد و نهم، 5، 6.

[3] همزمان با اشو زرتشت، فرعون مصر، اشناتون، بگونه همراستا (موازی)، و جدا از او ولی با هدفی دیگر به گسترش دیدگاه یکتا پرستی روی آورد.

[4] پرستش خدای زمان

[5] پرستش خدای خورشید

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

